الگوی مدیریت

و رهبری در

قیام عاشـــورا




بسم الله الرحمن الرحیم

الگوی مدیریت و رهبری در قیام عاشورا

نویسنده:

امام سوم حسین بن علی(ع)

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

الگوی مدیریت و رهبری در قیام عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان : الگوی مدیریت و رهبری در قیام روز عاشورا

پدیدآورندگان : امام سوم حسین بن علی(ع)(توصیف گر)

وضعیت نشر :الکترونیکی منشأ مقاله: پگاه حوزه، اردیبهشت ۱۳۸۲، شماره ۹۲

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : نظریه های مدیریت

قیام عاشورا

سیره امامان

شیوه های رهبری

الگوی مدیریت و رهبری در قیام روز عاشورا

امروزه در پنداشت همگانی، رمز پیروزی مدیران سازمان‌ها در سبک رهبری آنها است. هر چند ویژگی‌هایی همچون داشتن اندیشه راهبردی، شناخت مهارت‌های فنی و اقناع سیاسی با اهمیت هستند، ولی اکنون در صدر گزینش جا ندارند. بویژه، هنگامی که سازمان‌ها به گرفتاری افتاده و در شرایط پیچیده در پی یک مدیر مؤثر باشند کمتر به هوشمندی و تجربه فرد توجه دارند. سرمایه گذاران، تحلیل گران و نشریه های تخصصی مدیریت نیز این مسئله را دنبال می کنند و همین گونه می اندیشند؛ یعنی سازمان‌ها و مؤسسات امروزه در پی رهبران هستند تا مدیران بورکرات و یا تکنوکرات.از سوی دیگر در حوزه مدیریت نظامی، جنگ روانی تازه‌ترین اسلحه نبرد است و بر ضد برنامه سازمانی، شجاعت، جنگ آوری و اعتماد به نفس به کار گرفته می‌شود. «جنگ روانی» حتی در دفاع نیز به کار گرفته می‌شود، لکن با هدف تقویت روحیه نظامی و ملی سربازان.بر این اساس، در چنین شرایطی هدایت نیروها در جهت اهداف سازمان، همسو کردن هدف‌های فردی آنان با هدف‌های سازمان، تفهیم و تفهُّم متقابل، ایجاد انگیزه جز از طریق رهبری در اعمال مدیریت امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، در یک جمله می‌توان گفت که شرایط و ملاحظات مزبور سبک رهبری را در مدیریت به کلیه سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های نظامی دیکته می‌نماید.از این رو، سبک رهبری منحصر به اسلوب‌های اداره جامعه نمی‌شود. اداره کنندگان سازمان‌ها، مؤسسات و دستگاه‌ها باید مدیران خود را علاوه بر دانش مدیریت، به ویژگی و مهارت رهبری نیز مجهز نمایند.بنابراین از آنجا که محتوای حرکت عاشورای حسینی(ع)، تبلور عینی یک الگوی رهبری موفق و مؤثر است، بررسی آن به عنوان یک مسئله مهم و زنده ضرورت دارد.در نیمه دوم قرن حاضر، و به ویژه در دهه های اخیر، توجه پژوهشگران بیشتر به تفاوت ماهوی میان این دو مفهوم جلب گردیده است. از این رو، دیدگاه نوین دانش مدیریت کوشیده است تا گونه های تمایز ماهوی میان این دو مفهوم را تشریح نماید.به زعم ما، میان رهبری و مدیریت تمایز مهمی وجود دارد؛ رهبری ماهیتا مفهومی وسیع‌تر از مدیریت است. رهبری یک امر معنوی و تعهدی است؛ رهبری یک نقش و وظیفه انسانی است که

مدیریت موظف است آن را به کار گیرد. به عبارت روشن‌تر، رهبری نیازهای معنوی و انسانی یک سازمان را برمی‌آورد، ولی مدیریت ابزارهای مادی و تکنیکی افزایش تولید و رفع نیازهای مصرفی انسان‌ها را در سازمان شامل می‌شود.رهبری، آن توان و برجستگی ویژه‌ای که در محدوده مسؤولیت سازمانی، هماهنگی لازم را ایجاد می‌کند، مشکلات پیش آمده را از سر راه بر می‌دارد، ضعف‌ها را تقلیل و قوت‌ها را افزایش می‌دهد.بنابراین تفاوت اصلی میان این دو مفهوم، در کلمه سازمان نهفته است؛ رهبری ضمن اینکه برای تحقق هدف‌هایش مستلزم کار کردن با افراد و به وسیله افراد است، لیکن این هدف‌ها، الزاما هدف‌های سازمانی نیستند.این تفاوت‌ها را با تفصیل بیشتر می‌توان چنین بیان نمود:۱. قلمرو مدیریت، سازمان است، در حالی که رهبری قلمرو محدودی به خود نمی‌گیرد.۲. مدیریت تابع سلسله مراتب است، در صورتی که در رهبری سلسله مراتب رسمی مطرح نیست.۳. در مدیریت، هدف‌های سازمان ملاک است، در حالی که در رهبری ممکن است اهداف گوناگون مطرح باشند.به طور خلاصه می‌توان چنین برداشت کرد که رهبری اعم از مدیریت است؛ زیرا چنان‌که مدیر توانست نظام تمایلات عمومی، نظام اندیشه و بالاخره نظام رفتار عینی مجموعه انسانی تحت سرپرستی خود را به صورت منسجم و هماهنگ به منظور اجرای مدیریت و یا تحقق هدف مشخص سازماندهی و هدایت نماید، می‌توان گفت که مدیریت در عالی‌ترین درجه خود، یعنی «رهبری» محقق گردیده است.در یک جمله باید گفت که رهبری، ایمان و تخصص را در خارج از ذهن با یکدیگر در آمیخته، به آن نمود عینی می بخشد. [۱].

ویژگی‌های احراز توانایی رهبری

معمولاً مدیران نمی‌توانند با دانش مدیریت، نقش رهبری که همانا تولید معنویت و انسانیت در سازمان است، جامه عمل بپوشانند؛ زیرا مدیریت یک دانش آموختنی است، ولی رهبری یک امر درونی و اخلاقی است. به عبارت دیگر صفت رهبری به آسانی قابل تحقق در مدیران نیست، مگر با خودسازی و به‌کار گرفتن دستورالعمل‌های انسانی از مکتب اسلام در تمام زندگی فردی و اجتماعی یا سازمانی. از این رو مدیر در نقش رهبری، کسی است که بتواند در افراد تحت سرپرستی خود نافذ و مؤثر باشد و برای شناخت این شایستگی در مدیران، باید به ویژگی‌های زیر توجه داشت:۱. ایمان صحیح و قوی؛۲. اعتماد به نفس؛۳. جرأت انتقاد از خود و حق پذیری؛۴. قضاوت صحیح؛۵. خوشرویی و توانایی ایجاد روابط اجتماعی فعال؛۶. قاطعیت و جرأت اجرای مصوبات و مقررات سازمان؛۷. قدرت تدبیر و برنامه‌ریزی؛۸. متعادل بودن؛۹. ایثارگری و از خودگذشتگی؛۱۰. ثبات و همت در اجرای برنامه‌ها؛۱۱. انعطاف‌پذیری و مهلت جبران لغزش را به کارکنان دادن؛۱۲. فعّال و خستگی ناپذیر بودن. [۲].

شیوه مبارزه

امام حسین(ع) با توجه به درک دوران حکومت پدرش و برادر بزرگوارش امام حسن مجتبی(ع) و همچنین بی‌وفایی مردم کوفه، به درستی می‌دانست که دعوت ۱۲ هزار نفری مردم کوفه از ایشان، به واقعیت نزدیک نیست. لذا در مقابله با یزید، با توجه به یاران اندک و اهداف عالی، یعنی بیداری جامعه اسلامی و افشای عملکرد حکام جائر به‌ویژه یزید، می‌بایست شیوه مبارزه را نظامی ـ فرهنگی انتخاب کند.به روشنی می‌توان گفت که این نوع مبارزه، اوّلین بار بود که در این نهضت به‌کار می‌رفت. از این رو امام حسین(ع) تصمیم گرفت زنان، کودکان کم و سن و سال حتی کودک شیرخواره خود را در عملیات کربلا شرکت دهد.شاید در نخستین نگاه، همراه آوردن کودکان و زنان برای هر شنونده‌ای شگفت‌آور باشد و احساس شود که با مدیریت نظامی ناهمساز است، اما وقتی مجموعه ماجرا را مطالعه کنید، در می‌یابید که حرکت زنان و کودکان خردسال در دل تاریکی از کوره راه‌ها و بیابان‌ها، از مدینه تا مکه و از آنجا تا کربلا و همچنین پس از حماسه کربلا و بازگشت به سوی مدینه، آن هم از غیر مسیر اول،

کاملاً- حماسه کربلا- اطلاع رسانی گردید و عاطفه مردم را برانگیخت و آتش بر دل‌های مرده زد و سؤال‌هایی در اذهان عمومی به‌وجود می‌آورد که بعدها ثمره آن روشن گردید؛ که آن تثبیت حقانیت قیام امام حسین(ع) و ترسیم چهره تزویر و جنایت حکومت بنی امیه بود.

زمان و مکان مبارزه

امام حسین(ع) با انتخاب راه‌ها و منازل رسمی ـ که تقریبا از میان آبادی‌ها می‌گذشت ـ برای حرکت سپاه خویش از مدینه تا کربلا و آن هم در ایام مبارکی همچون ماه‌های شعبان، رمضان و ذی حجه به تحقق اهداف نهضت تسریع بخشید؛ زیرا فاصله سیصد فرسخی ـ که شامل بیست و چند منزل می‌شد ـ طی یکصد و هفتاد و پنج روز به ویژه توقف چهار ماهه در مکه معظمه (محل تجمع عبادی مسلمانان از سراسر نقاط دور دست) منجر به این شد که امام(ع) فرصت اطلاع رسانی را بیابد و پیام نهضت را کاملاً تشریح و ابلاغ کند و همچنین اقدام به جذب نیروی انسانی نماید و در نهایت کاروان کربلا را برای به‌وجود آوردن حماسه عاشورا کاملاً آماده سازد؛ حتی کشاندن ۳۰ هزار نفر از سپاه دشمن به کربلا- خود یکی از تدابیر فرهنگی امام(ع) به حساب می‌آید؛ که مبادا کشته شدنش مخفیانه صورت گیرد، بلکه در مقابل مشاهده دیدگان ۳۰ هزار نفر قرار گیرد تا برای مستندات تاریخی پیام حماسه عاشورا مؤثر افتد.

طراحی و اجرای عملیات روز عاشورا

امام حسین(ع) در روز تاسوعا به برنامه ریزی جهت مقابله می‌پردازد و بهترین طرح عملیاتی را طراحی و نیروهای خود را بر اساس آن سازماندهی و آرایش نظامی می‌دهد. از آنجایی که سپاه امام حسین(ع) قبل از دشمن به منطقه عملیاتی کربلا وارد شده بود، با بررسی‌های دقیق امام حسین(ع) و بهره برداری از عوارض طبیعی، در ضلع شرقی فرات مستقر می‌گردد و سپاه دشمن نیز در ضلع غربی آن قرار می‌گیرد.در غروب تاسوعا سپاه امام حسین(ع) پس از جلسه توجیهی با یارانش دستور می‌دهد خیمه‌ها را ـ که بنا به قولی تعداد آنها ۶۰ چادر بود ـ که از هم دور بودند، به شکل هلالی نزدیک یکدیگر قرار دهند و آنچنان نزدیک آوردند که طناب خیمه‌ها در داخل یکدیگر فرو رفت؛ به گونه‌ای که عبور یک نفر از بین دو خیمه ممکن نبود و ضمنا مقابل هر دو خیمه، سه تن تیرانداز قرار داد تا در صورت حمله ناگهانی دشمن، بتوانند آن را دفع کنند. از سوی دیگر امام حسین(ع) دستور داد پشت سر خیمه‌ها کانالی را حفر کنند؛ به طوری که سوارکاران دشمن نتوانند از روی آن عبور کنند و همچنین مقدار زیادی خار و نی را جمع آوری و داخل کانال ریختند تا در صبح عاشورا آن را آتش بزنند و از این طریق امکان حمله دشمن را از پشت سر کاملاً گرفته باشند. در سمت راست آنان نیز باتلاق و نیزار وجود داشت. بدین ترتیب تنها از روبرو و سمت چپ با دشمن مواجه بودند. در واقع امام‌حسین(ع) با استفاده از عوارض طبیعی و مصنوعی توانست راه نفوذ دشمن را از سه طرف مسدود نماید و تنها یک راه باریکی برای ورود و خروج به خیمه‌ها قرار داده بود و آن مسیر را نیز بوسیله مردان جنگاور و شجاع مورد حفاظت قرار داده بود، بطوریکه دشمن پیش بینی می‌کرد که با توجه به حجم نیروی رزمی خویش به میزان حدودا ۳۰۰۰۰ نفر و نیروهای رزمی امام حسین(ع) ۷۲ نفر، عملیات را حداکثر ظرف یک ساعت به نفع خود به پایان رساند؛ لکن امام حسین(ع) به وسیله نیروی انسانی اندک و تدابیر نظامی و رهبری نافذ خود توانست از صبح روز عاشورا تا عصر آن روز، در مقابل سپاه سی هزار نفره دشمن مقاومت کند و تلفات سنگین، یعنی بیش از ۱۰۰۰ نفر از دشمن بگیرد. همچنانکه در سطور قبل اشاره گردید وقتی دشمن از یک نقطه حمله کرد، حجم زیاد نیروی جنگنده تأثیر چندانی نداشت؛ مانند اینکه چند نفر معدود در تنگنای کوهی راه را بر سپاهی عظیم ببندند و یا بر آنان کمین بزنند، می‌توان مدتها آن سپاه را متوقف یا زمین‌گیر نمود.همچنین در شب عاشورا، امام حسین(ع)، علی اکبر فرزند

خود را به همراه سی سوار و بیست پیاده روانه فرات کرد، تا آب آوردند، آنگاه به اصحاب فرمود برخیزید و آب بنوشید که آخرین توشه شماست و وضو بسازید، غسل کنید و جامه خود را بشویید تا کفن شما باشد.صبح روز عاشورا امام(ع) پس از نماز و ایراد خطبه برای اصحابش، صفوف اصحاب را برای رزم آماده ساخت. ستون راست سپاه را به تعداد ۲۰ نفر تحت فرماندهی زهیر بن قیس، ستون چپ را به تعداد ۲۰ نفر تحت فرماندهی حبیب بن مظاهر و مابقی را، در قلب سپاه تحت فرماندهی حضرت ابوالفضل العباس سازماندهی نمود.سرانجام عملیات عاشورای حسینی در سال ۶۱ هجری قمری، دهم ماه محرم، روز جمعه ساعت ۸ صبح شروع و به‌مدت ۸ ساعت طول کشید؛ چنانچه جنگ به صورت تن به تن ادامه پیدا می‌کرد، به نظر می‌رسید که حداقل چند روز طول می‌کشید؛ لکن دشمن بر اثر تلفات سنگین از جنگ تن به تن به هراس افتاد و بوسیله جنگ هجومی، خود را از درگیری نظامی رهانید. ولی پس از جنگ نظامی، خود را در یک جنگ تمام عیار فرهنگی یافت و از آنجایی که این مرحله از جنگ را پیش بینی نکرده بود و برنامه‌ای بر آن نداشت، دستاورد نظامی خود را از دست داد و پیروزی نهایی از آن منطق امام حسین(ع) و پیروان او گردید.بنابراین در می‌یابیم که امام حسین(ع) از ابتدا با یک برنامه‌ریزی دقیق، نهضت را شروع و حتی در آخرین ساعت‌های حیات خویش از مؤثرترین تدابیر مدیریتی و رهبری استفاده نمود. به عبارت دیگر مقابله امام(ع) با دشمن حالت انفعالی نداشت، بلکه هوشمندانه و کاملاً مسلط بر اوضاع بود. [۳] .

جلوه‌های مدیریت و رهبری در روز عاشورا

کارکردهای مدیریت و رهبری در حرکت حسینی در متعالی ترین وجه خود تجلی یافته بود. امام حسین(ع) صحنه‌ها را طوری ترتیب داده بود که گویی این نمایش، الگوی مدیریت و رهبری موفق و مؤثر باید تا قیامت باقی بماند.برای آشنایی با کارکردهای مزبور، در این بخش به برخی از جلوه‌های آن در حماسه روز عاشورا اشاره می‌گردد:

جلوه‌های کارکردی مدیریت در روز عاشورا

ـ یکی از اقدامات مقدماتی در برنامه ریزی‌ها، بررسی و حصول اطمینان منابع انسانی و مادی و تطبیق آن با واقعیت‌های اجرای برنامه است. از این رو در شب عاشورا، امام حسین(ع) با تمام حساسیت این نکته را مورد توجه خویش قرار داده.به نقل از مورخین واقعه عاشورا، حسین‌بن‌علی در طول حرکت از مدینه تا کربلاـ و در مواقع مختلف، موضوع خطرناک بودن عملیات عاشورا و شهادت خویش را اعلان نموده و به یارانش اجازه مرخصی داده و بیعت را از آنان برداشته بود. در شب عاشورا نیز برای آخرین بار این موضوع را با صراحت تکرار کرد. این پیشنهاد در واقع آخرین آزمایش و برآورد واقعی از منابع نیروی انسانی بود که توسط امام(ع) انجام گرفت.ـ در اختیار داشتن نیروی انسانی شایسته و کارآمد از مهم‌ترین عوامل موفقیت مدیران و برنامه‌های آنان است. لذا حضرت(ع) از این نکته غافل نبوده است؛ حتی در شرایط سخت و بحران، که عموم مدیران و رهبران ملاک گزینش و پالایش را در جذب نیروی انسانی قائل نمی‌شوند. از این رو می‌بینیم که نیروی انسانی حضرت(ع) عموما از نظر موقعیت سیاسی اجتماعی و فضائل اخلاقی، بسیار برجسته و عالی و دارای سوابق اجتماعی و سیاسی و از اصحاب کبار حضرت پیامبر اکرم(ص) و حضرت علی(ع) بودند و در غزوات آنان شرکت داشتند؛ در واقع از نخبگان قبائل خود بودند. [۴] .ـ سازماندهی مجموعه نیروهای انسانی و منابع مادی برای تحقق اهداف و برنامه‌ها، یکی از کارکردهای مدیریتی است. حضرت امام حسین(ع) در ابتدای حرکت خود، دوازده پرچم را برافراشت و هر پرچم را به دست یک نفر از اصحاب داد تا یک پرچم باقی ماند. لذا بعضی گفتند این را به ما بسپارید. حضرت در پاسخ آنان فرمود: خداوند به شما جزای خیر بدهد، صاحب این پرچم خواهد آمد. پس از چندین روز، به دنبال فراخوانی حضرت(ع) جناب حبیب بن مظاهر به حضور رسید و حضرت(ع) نیز پرچم باقی مانده را به دست ایشان سپرد.

همچنین در روز عاشورا امام(ع) پس از ایراد خطبه برای یارانش صفوف لشکر خویش را که بنا به مشهور، ۷۲ تن بودند، منظم نمود. فرماندهی میمنه سپاه را به زهیر بن قیس و میسره را به حبیب بن مظاهر و خود و برادرش ابوالفضل(ع) فرماندهی قلب سپاه را به‌عهده گرفتند.این مطالب نشان می‌دهد که امام(ع) به تقسیم وظایف و سپردن مسؤولیت به اهلش تا چه اندازه اهمیت قائل بود.ـ یکی از اصول اساسی و شاید مهم‌ترین کارکردهای مدیریتی «هماهنگی» است. از این رو امام حسین(ع) در ابتدا با طولانی کردن مسیر حرکت و افزایش توقف‌گاه‌ها، سعی در ایجاد هماهنگی برون‌سازمانی و اطلاع‌رسانی داشت. علاوه بر آن در روز عاشورا برای هدایت مؤثر سپاه خویش، نقطه‌ای مرتفع را در میدان عملیات، به عنوان مرکز فرماندهی قرار داده بود؛ که مشاهده عملیات، هدایت نیروها و حتی حملاتش از آنجا ممکن بود؛ زیرا هم به یگان‌های صفّی (عملیات کننده) و هم یگان‌های ستادی (پشتیبانی کننده) یعنی خیام نزدیک بود. [۵] ـ شناسایی و استفاده از ابزار قوی‌تر برای اجرای بهتر مأموریت، یکی از تدابیر مدیریتی است که حضرت(ع) بارها از آن سود جسته است. در روز عاشورا حضرت برای ایراد خطبه، جهت آگاهی اذهان عمومی سپاهیان دشمن، دستور دادند که شتری بیاورند. از اسب خود پیاده و سوار شتر شد تا در دید مخاطبین قرار گیرد و صدایش به همه برسد.ـ کارکرد مدیریتی یا «کنترل و نظارت» برای شناسایی برنامه‌ها و چگونگی اجرای آنها جهت حصول مؤثر هدف‌هاست از این رو مدیران بایستی سعی در کشف نارسایی‌ها و موانع موجود بر سر راه رشد استعدادهای نیروهای انسانی و پیشرفت برنامه داشته باشند. در شب عاشورا نیز امام حسین(ع) از محیط خیمه‌ها بیرون رفت تا نزدیکی لشکر دشمن. نافع بن هلال (یکی از یاران آن حضرت(ع) بود) از امام(ع) سؤال کرد که دلیل نزدیک شدنش به لشکر دشمن در این وقت شب چه بوده است؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: آمده‌ام تا پستی و بلندی اطراف خیمه‌ها را بررسی کنم که مبادا برای دشمن، مخفی‌گاهی باشد و از آنجا برای حمله خود یا دفع حمله شما استفاده کند.همچنین ذکر کرده‌اند که یکی از فعالیت‌ها و وظایفی که در شب عاشورا توسط آن حضرت تعیین شده بود، آماده‌سازی و کنترل سلاح‌های جنگی بود. از این رو مردی بنام جَوْن (آزاد شده ابوذر غفاری) که متخصص در کار اسلحه‌سازی بود، در خیمه‌ای به این کار مشغول شده بود. امام(ع) نیز در شب عاشورا خیمه او را بازدید نمود. با ذکر این نمونه‌ها به روشنی می‌توان گفت که کارکردهای مدیریتی در تمام مراحل فرماندهی نهضت عاشورا به نحو شایسته‌ای جاری و ساری بود. [۶] .

جلوه‌های رهبری در روز عاشورا

ـ اصل آگاهی بخشی کارکنان نسبت به اهداف و قوانین سازمان، یکی از وظایف مدیران در نقش رهبری است. از این رو امام حسین(ع) از ابتدای حرکت خویش در هر فرصتی نسبت به آگاه کردن اذهان عمومی به‌ویژه کسانی که قصد همراهی او را داشتند، اقدام می‌نمودند. در شب عاشورا نیز پس از ایراد خطبه‌ای مفصل یاران خود را نسبت به ماندن و رفتن از میدان عملیات در روز عاشورا آزاد گذاشت، زیرا امام(ع) برای تحقق حماسه مقدس عاشورا تاکید داشت که یاران زیر پرچم با بصیرت عمل کنند و هر کدام از آنها چنانچه با انگیزه‌های دیگر آمده‌اند، پالایش شوند.ـ یکی از وظایف مدیران در نقش رهبری، فراهم آوردن شرایط روحی و روانی مناسب برای اجرای عملیات و فعالیت در سازمان می‌باشد. از این رو امام(ع) نه تنها به بازسازی و تعالی مستمر روح و فکر یاران خویش پرداخت تا در مناسب‌ترین شرایط روحی به مجاهدت بپردازند بلکه می‌کوشیدند بر روح و روان دشمن نیز تاثیر بگذارد تا اگر هنوز در کسی استعداد و امکان برگشت وجود دارد، باز گردد. در این راستا به یکی از نمونه‌های برجسته هدایت‌های امام حسین(ع) در روز عاشورا اشاره می‌کنیم:حُرّ (یکی از فرماندهان برجسته سپاه دشمن) از کسانی است که خصایل انسانی و کرامت در سپاه امام حسین(ع) او را بیدار و به وجد آورده و با خود گفت: خودم را در میان بهشت و دوزخ می‌بینم، اما من بر بهشت چیزی را بر نمی‌گزینم؛ هر چند پیکرم پاره پاره شود و مرا در آتش بسوزانند. لذا خود را از دوزخ (سپاه یزید) رها و به سپاه امام حسین(ع) رسانید و در رکاب آن حضرت جنگید تا به شهادت نائل آمد.این فراز انسانی از الگوی رهبری امام حسین(ع) که

حتی توانست نیروی انسانی دشـمن را جذب و وادار به فداکاری نماید، برای مدیران و رهبران، مایه درس و عبرت است. [۷] .ـ یکی دیگر از برجسته گی‌های رهبری عاشورا، دادن اختیار و تفویض آن به نیروهای عمل کننـده است. در این مورد می‌توان، مراجعه حُرّ را به امام(ع) اشاره نمود: در روز عاشورا حُرّ نزد امام(ع) آمد و گفت: اگر سوار بر اسب باشم، بهتر توان جنگاوری خواهم داشت تا پیاده بـاشم. امـام(ع) نیز فرمود: «هرگونه می‌پسـندی عمـل کن». همـان‌طور که ملاـحظه می کنیـد، آزادی و اختیـار نیروهـای انسانی موجب تلاـش و مجاهـدت‌های بیشـتر در سازمـان می گردد.ـ یکی از اصول مهم رهبری نهضت کربلاـ اصـل انگیزش بود. از این رو امـام(ع) در روز عـاشورا پس از نمـاز صبـح رو بـه سـوی یـارانش نمـوده، برای ایجـاد آمـادگی روانی کامـل آنـان چنین فرمـود:ای بزرگ‌زادگان، صبر و شکیبایی به خرج دهید که مرگ چیزی جز یک پل نیست که شـما را از سـختی و رنج عبور داده، به بهشـت پهناور و نعمت‌های همیشگی آن می‌رساند چه کسی است که نخواهد از یک زندان به قصری باشکوه انتقال یابد. همین مرگ برای دشـمنان شـما مانند آن است که از کاخی به زندان و شکنجه گاه منتقل گردد.ـ یکی از نکاتی که مدیران را در به‌عهده گرفتن نقش رهبری موفق می‌سازد، پیش قدم بودن در مصاف با مشـکلات و آسـیب‌هاست. در این رابطه امام علی بن الحسین(ع) می گوید: روز عاشورا چون کار بر امام حسـین(ع) سخت شد، اصحاب وی دیدند هر چه کار دشوارتر می‌شود، رخساره آن حضرت برافروخته‌تر و بـدنش آرام و قلبش مطمئن‌تر می گردد. پس یـارانش بـا یکـدیگر می گفتنـد: نمی‌بینی چگونه امـام(ع) بر روی مرگ می‌خنـدد و از مرگ بیم ندارد. این ایستادگی و پیش‌قدمی امام(ع)، روحیه یارانش را تقویت می کرد. [۸] .

چگونگی روابط انسانی در نهضت عاشورا

آنچه در عصـر کنـونی، در سازمان‌هـا مورد توجه است، مسـئله روابـط انسـانی است، و اینکه اعضـای سازمـان، خود دارای اهـداف، تمایلات، خواسته‌ها و انگیزه‌هایی باشند. اگر مدیریت سازمان تنها به هدف‌های سازمان پایبند باشد و به ویژگی‌ها و روحیات اعضاء و خواسته‌های آنان بی‌توجهی بنمایـد علاوه بر آنکه به نقش رهبری خویش لطمه وارد می‌سازد، به ساختار سازمان نیز آسـیب وارد خواهـد کرد. از این رو مـدیریت و رهبری از دیدگاه مکتب اسـلام، هماهنگی و ایجاد روابط اسـلامی و انسانی بین کارکنان، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به‌کار گرفتن صحیح و شروع نیروهای انسانی و مادی سازمان است.به نظر می‌رسد که امام(ع) بر این نکته تأکید داشتند. روابط درونی میان فرماندهان و نیروهایشان بر اساس ارزش‌های سلسله مراتبی نبوده و روح برابری و همکاری و وفاداری بر آنان حاکم بود؛ زیرا در هر محیط اجتماعی که عواطف و دوستی، محبت و عشق، وجود نداشـته باشـد، آن محیط، محیط انسانی نیست.از این رو روش مـدبرانه امام حسـین(ع) در رهبری و هـدایت اصـحاب خویش در نهضت کربلا، بهترین سرمشق و عالی‌ترین نمونه، برای مـدیران دسـتگاه‌های مختلف، به‌ویژه سازمان‌های نظامی می‌باشد. رابطه امام(ع) با اصـحاب خویش واقعا خوانـدنی و آموزنـده است، و رهبری امام را در بهره گیری از عناصـر تحت مـدیریتش نشان می‌دهد. در سـطور زیر تعدادی از این روابط صمیمی را ملاحظه می کنید:یک. هنگامی که امام حسین(ع) در شب عاشورا به یاران خود فرمود: شما آزادید و می‌توانید شبانه از این منطقه جنگی که جز کشـته شـدن نتیجه‌ای نـدارد، دور شویـد، اصـحاب ایشان همه به سـخن آمده، با عباراتی عاطفی و سرشار از محبت به فرمانـده و رهبرشان گفتنـد: ما هرگز شـما را تنها نخواهیم گذاشت و از این سـرزمین باز نخواهیم گشت، بلکه با گلوهـا، پیشانی‌هـا و دست‌هایمـان تـو را از خطر حفـظ می‌کنیم. وفـاداری اصـحاب در روز عـاشورا به منصه ظهور رسید. بـازگویی جملات و احساسات اصـحاب امام(ع) در آن شب تاریخی، خالی از لطف و فایده نیست:جناده بن کعب: امیر من حسین(ع) هست و چه خوب امیری است. او مایه شادی دل پیامبر(ص) بشیر و نذیر است. پدر و مادرش حضرت علی(ع) و فاطمه(س) است. آیا شبیهی برای امیر و فرمانده من می‌شناسید؟زهیر بن قین: یا بن رسول الله! به خدا سوگند دوست داشتم که در راه حمایت تو هزار بار کشته و بـاز زنـده و دوبـاره کشـته شـوم و بـاز آرزو داشـتم کـه بـا کشـته شـدن من، تـو و یـا یکی از این جوانـان بنی‌هـاشم از مرگ نجات

می‌یافتند.ابوالحتوف بن الحرث انصاری: جانم و مالم فدای حسین.بریر بن خضیر: به خدا سوگند ای فرزند رسول خدا، حقیقتا خداوند بر ما به‌واسطه وجود تو منت گذاشت که توفیق جهاد در محضرت را به ما عطا کرد که در راه تو قطعه قطعه شده، به توفیق شفاعت جدّت نائل شویم.نافع بن هلال: اگر امروز کشته می‌شوم، این آرزوی من است و این اندیشه‌ام بوده]که در راه خدا شهید شوم[و پاداش خود را خواهم دید.حجاج بن مسروق: جانم به قربانت ای حسین که هدایت شده و هدایت کننده‌ای.عمرو بن مطاع جعفی: امروز گواراست دفاع از حسین(ع). بدین‌وسیله رستگاری و نجات از آتش را امیدوارم.انیس بن معقل اصبحی: دفاع می‌کنم از حسین؛ صاحب مجد و بزرگواری و فضیلت. او فرزند بهترین رسولان است.دو. در روز عاشورا، خبر اسارت فرزند محمد بن بشیر حضرمی (که یکی از یاران آن حضرت بود) توسط نیروهای ابن زیاد به وی رسید. امام(ع) به او فرمود: تو آزادی، برو و در آزادی فرزندت تلاش کن. حتی چند قطعه پارچه قیمتی به او داد؛ تا در اختیار کسانی که می‌توانند در آزادی فرزندش تلاش کنند، قرار دهد. لکن محمد بن بشیر گفت به خدا سوگند من ابدا دست از تو بر نمی دارم و این جمله را نیز اضافه نمود که اگر درندگان بیابان‌ها مرا قطعه قطعه کنند و طعمه خویش قرار دهند، دست از یاری تو بر نمی‌دارم. [۹] .سه. وقتی که اصحاب همه شهید شدند و جز چند نفر باقی نمانده بود و دشمن مرتب تیرباران می‌کرد، حنظله یکی از یاران آن حضرت(ع) خود را همچون سپری در مقابل حضرت قرار می‌داد و تیرها و نیزه‌ها و شمشیرهایی که امام(ع) را هدف قرار می‌دادند، به جان می‌خرید. [۱۰] .چهار. ملحق شدن حر، به امام حسین(ع) یکی از وقایع برجسته نهضت کربلا و یکی از لطایف مدیریت و رهبری امام حسین(ع) است. سخنان امام(ع) در منزلگه غدیب الهیجانات و غیره و سیراب کردن حر و سپاهش و حتی اسبان آنان، همانند برقی روح و روان حر را روشن کرد و انقلابی در او به‌وجود آورد و احساس حق طلبی او را بیدار، و جذب رهبری نورانی و انسانی آن حضرت(ع) کرد. سرانجام با رشادت تمام در رکاب حضرت به درجه شهادت نائل آمد. [۱۱] .پنج. امام حسین(ع) در شب عاشورا اصحاب خود را این چنین ستایش کرد: فَإنّی لا اَعلَمْ اُصحابا أوْفی و لا خَیرا مِنْ أصحابی و کأیّن مِن نَبیّ قاتَلَ مَعَهُ ربیُّونَ کثیرٌ، فَما وَهَنوا لِما أصابَهُمْ فی سَبیلِ اللّهِ وَ ما ضَعُفُوا و مَا اسْتَکانُوا و اللّهُ یُحِبُّ الصابرین. [۱۲] .«من یارانی]در جهان[بهتر از یاران خودم باوفاتر و بهتر سراغ ندارم. چه بسیار رخ داده که پیامبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده اشت و با این حال، با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر در مقابل دشمن فرود نیاوردند و راه صبر و ثبات پیش گرفتند؛ خداوند صابران را دوست می‌دارد. [۱۳] .

پاورقی

[۱] حسن عابدی جعفری ـ رهبری و مدیریت ـ فصلنامه مصباح ـ دانشگاه امام حسین(ع) ـ سال ۷۲ شماره ۶ و ۷ ص ۱ و ۴۷.

[۲] حمیدزاده، بهرام ـ مدیریت و برنامه ریزی ـ جزوه درسی، دانشکده عقیدتی و سیاسی شهید محلاتی، سال تحصیلی ۱۳۷۸.

[۳] حاج شیخ عباس قمی، نفس المهموم، انتشارات اسلامیه ص ۱۱۷-۱۴۰.

[۴] شمس الدین، شیخ محمد ـ بیضاء الحسین ـ ص ۱۱۸.

[۵] مطهری، مرتضی ـ مجموعه آثار ـ جلد ۱۷.

[۶] تاریخ طبری، ج۷، ص ۳۲۲.

[۷] شیخ عباس قمی، همان، ص ۱۰۲.

[۸] شیخ عباس قمی، همان ص ۱۰۰ – ۱۱۷.

[۹] تاریخ طبری ج۷، ص ۳۲۲.]

[۱۰] شیخ عباس قمی، همان ص ۱۰۲.

[۱۱] شمس الدین، شیخ محمد مهدی، انصار الحسین ـ ترجمه ناصر هاشم زاده، تهران امیرکبیر سال ۱۳۶۴.

[۱۲] سوره آل‌عمران، آیه ۱۴۶.

[۱۳] مطهری، مرتضی ـ مجموعه آثار ـ بخش حماسه حسینی ـ جلد ۱۷ انتشارات صدار ـ سال ۱۳۷۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰ ۵۳-۶۰۹-۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

